

مکتب فلزکاری مصر (قاهره) در دوره مملوکها*

محمد افروغ

استادیار دانشگاه اراک، دانشکده هنر، گروه فرش

چکیده

مکتب فلزکاری مصر و به‌طور مشخص قاهره، یکی از قطب‌های تولید آثار فلزی در جهان اسلام به‌ویژه در دوران مملوک‌ها است که توانست در فضای آرام جامعه آن روزگار، آثار کیفی و کمی برجسته‌ای، هم به‌لحاظ کاربرد و هم بُعد زیباشناختی تولید و عرضه کند. تعدادی از آثار باقی مانده از این مکتب در موزه‌های ویکتوریا و آلبرت، مجموعه نوح‌الدسعید و موزه هنرهای اسلامی قاهره نگهداری می‌شوند. یافته‌های این پژوهش حاکی از تأثیرپذیری و الگوبرداری هنرمندان مصری در فرآیند ساخت، شکل‌دهی، تزئین و موضوعات تزئین، از آثار موصلی است. در واقع، آثار فلزکاری مصر ضمن حفظ هویت خاص خود، با آثار تولید شده در مکتب فلزکاری موصل، دارای شباهت و ارتباطی نزدیک و تنگاتنگ است. مطالعه، بررسی، تحلیل و معرفی هشت اثر ساخت مکتب فلزکاری مصر از منظر فن‌شناختی و زیباشناختی، هدف این مقاله است. پرسش اصلی و مرتبط با موضوع حاضر این است که آثار فلزی ساخته شده در مکتب فلزکاری مصر شامل چه نوع ویژگی‌های فنی و زیباشناختی است؟ خلاصه نتایج تحقیق چنین است: همگی آثار یاد شده در روند ساخت، به شیوه قالب‌گیری و ریخته‌گری تولید شده‌اند. این آثار با استفاده از شیوه ترصیع‌کاری، تزئین و آراسته شده‌اند. شیوه تولید و تزئین در مکتب فلزکاری مصر برگرفته از مکتب فلزکاری موصل است. انواع تزئینات انسانی (اسب سواران و شکارچیان)، جانوری (حیوانات و پرندگان)، گیاهی (انواع گل و بوته‌های انتزاعی)، هندسی (انواع شکل‌ها) و خط‌نگاره‌ها (انواع کتیبه‌های نوشتاری) بر بدنه آثار قاهره به‌کار رفته است. ضمن این‌که بیشترین تزئینات، شامل خط‌نگاره‌ها و عناصر نوشتاری است. این مقاله از نوع کیفی و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است. هم‌چنین شیوه گردآوری داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای است.

واژه‌های کلیدی: مصر، مملوک، فلزکاری، فن‌ساخت، تزئین.

Email: m-afrough@araku.ac.ir

* (تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۰۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۱/۱۷)

مقدمه

فلزکاری در تمدن اسلامی، یکی از درخشان‌ترین و کاربردی‌ترین هنرهای صناعی است که ادامه هنر و صنعت فلزکاری تمدن‌های باستانی میان‌رودان و به‌ویژه ایران عصر ساسانی است. پس از ظهور اسلام، هنر فلزکاری ضمن توجه و لحاظ کردن بینش و باورهای اسلامی و هم‌چنین حمایت حاکمان و سلاطین وقت در حوزه هنر و کاربرد انواع آثار هنری فلزی، توانست سهم به‌سزایی در برآوردن نیازهای ضروری جامعه اسلامی داشته باشد. آثار نفیس فلزی و کاربردی به‌ویژه آثاری که برای دربارهای سلطانی و سفارش‌دهندگان طبقه مرفه با انواع نقش و نگاره‌ها و پرداخت‌کاری‌های ظریف و لطیف ساخته می‌شد، گواهی بر این مدعا است. مکتب فلزکاری مصر و به‌طور مشخص شهر قاهره، یکی از کانون‌ها و مراکز تولید آثار فلزی بود که پیشینه و خاستگاه آن به دوره پیش از اسلام و تمدن مصر باستان می‌رسد. این مکتب در قرن‌های اولیه اسلامی به‌خاطر اوضاع نابسامان مصر به‌ویژه در زمان طولونیان دچار رکود و کمیاب شدن مواد اولیه شد. با گذشت زمان و برقراری آرامش و بهبود اوضاع جامعه توسط سلسله فاطمی، تولید آثار فلزی مرغوب و با کیفیت رو به افزونی گذاشت. در این دوره فلزکاری قاهره، رو به سوی بازیابی و احیای هویت خود نمود؛ به‌گونه‌ای که بعد از ظهور سلسله ایوبیان و هم‌زمان با مهاجرت هنرمندان فلزکار موصل و خراسان که در اثر حمله مغولان رهسپار سوریه و مصر شدند، نهایتاً در زمان سلسله مملوکیان به حد اعلای خود رسید. ناگفته نماند که مکتب فلزکاری مصر در رسیدن بدین جایگاه، بخش قابل توجهی از اعتبار، اعتلا و هویت خود را مرهون فعالیت و تجربه هنرمندان مهاجر موصلی و خراسانی مستقر در قاهره و انتقال و ترویج آن به هنرمندان و صنعتگران مصری است و بخش دیگر این اعتبار را نیز باید متوجه حمایت و اهتمام سلاطین مملوکی و آرامش حاکم بر جامعه مصر و قاهره دانست. آثار فلزی مکتب قاهره از حیث کتیبه‌نگاری و تاریخ‌نگاری و شاخص بودن در تزیینات و پرداخت‌کاری، محدود و یافتن آن‌ها دشوار است. لیک بر مبنای گواهی محققان و منابع موزه‌ای، هشت اثر نخبه و متنوع در موزه‌ها و مجموعه‌های برجسته (لوور، ویکتوریا و آلبرت، قاهره و مجموعه نوح‌الدسعید) شامل دو

شمعدان، یک جعبه عود، یک بخوردان استوانه‌ای، یک بخش از شمعدان (سر و گردن)، پایه سینی، یک کاسه و یک تشت، انتخاب و مورد مطالعه، معرفی، بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. دو سؤال در ارتباط با این موضوع مطرح است: ۱. مختصات فنی (شیوه ساخت و تزئین) و زیباشناختی (موضوعات تزئین) در مکتب فلزکاری مصر کدام است؟ ۲. در صورتی که مکتب فلزکاری مصر از مکتب فلزکاری موصل تأثیر پذیرفته باشد، این تأثیرپذیری در چه بخش‌هایی اتفاق افتاده است؟

پیشینه پژوهش

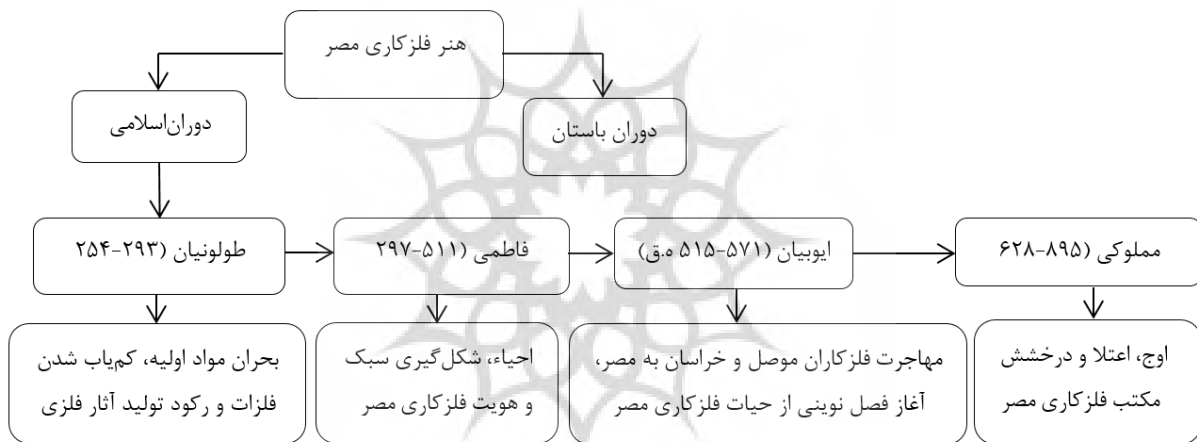
در ارتباط با هنر فلزکاری مکتب قاهره، پژوهش‌های جامع و کاملی صورت نگرفته‌است؛ اما پژوهش‌هایی به‌صورت محدود و در قالب مقاله نوشته شده‌است که در آن‌ها آثار فلزی مصری مورد مطالعه، توصیف و تطبیق قرار گرفته‌اند؛ که از آن جمله می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «مقایسه شکل و محتوای ظروف فلزی شیراز در دوره ایلخانیان با ظروف فلزی مملوک‌ها در سده هشتم هجری» (فدایی، ۱۳۸۷)، اشاره کرد که به تطبیق آثار دو حوزه تمدنی ایران (شیراز) و مصر (مملوک‌ها) پرداخته است. هم‌چنین مقاله «بررسی تأثیر فلزکاری مکتب خراسان بر فلزکاری ممالیک مصر» (قربانی‌رضوان، ۱۳۹۴) به بررسی تأثیر مکتب فلزکاری خراسان بر فلزکاری ممالیک مصر پرداخته است.

سیر تاریخی هنر و صنعت فلزکاری در تمدن مصر

حوزه تمدنی مصر در پیش از اسلام، یکی از دروازه‌های مهم و تأثیرگذار در انتقال فناوری و سبک هنر فلزکاری به تمدن غرب بود. «در طول سده‌های پیش از اسلام، فلزکاری به‌صورت روش‌های ریخته‌گری و قالب‌گیری از مصر به شمال آفریقا صادر و از مسیر مدیترانه به اروپا منتقل می‌شد و در این رهگذر به انگلستان نیز راه یافت» (وارد، ۱۳۸۴: ۴۳). با این نگاه «محتمل به‌نظر می‌رسد که بسیاری از اقلام عالی فلزکاری مملوک برای صادرات به اروپا تولید می‌شد. قسمت عمده آثار فلزی از طریق ونیز انتقال می‌یافت و ظاهراً تحت فشار بازار اروپا، شکل‌های جدیدی در خاورمیانه ساخته می‌شد» (ایروین، ۱۳۸۹: ۳۱۹). لذا اگرچه «در اوایل دوره اسلامی صنعت فلزکاری مصریان

رأس حکومتی قرار داشتند که قسمت عمده شمال آفریقا، سیسیل، یمن، حجاز و بخش‌هایی از سوریه را شامل می‌شد» (ایروین، ۱۳۸۹: ۶۳). اندک آثار فلزی باقی مانده از دوران سلسله فاطمیان مصر، نشان می‌دهد که «هنر فاطمیان، بسیار پیشرفته و برخوردار از ظرافت و زیبایی بالایی است و این امر به‌ویژه در ترسیم پیکرهای انسانی مشهود است. نقش‌مایه‌های این آثار از بسیاری سنن پیشین دنباله‌روی می‌کرد و برخی از آنان به نقوش روزگار باستان [دوره ساسانی] باز می‌گشت» (هاگدورن، ۱۳۹۴: ۱۴). در شکل ۱ نمایی از سیر تاریخی هنر فلزکاری مصر به‌ویژه در دوران اسلامی از شکل‌گیری تا اوج و درخشش نشان داده شده است.

به‌طور چشم‌گیر و شگفت‌انگیزی کاهش یافت و رو به زوال گذاشت» (وارد، ۱۳۸۴: ۴۳)، اما به تدریج، دوره رشد و شکوفایی این هنر با محوریت قاهره از قرن چهارم و هم‌زمان با آغاز حکومت سلسله فاطمیان (۵۶۷-۳۵۸ هـ.ق) آغاز شد و در دوران مملوکی به اوج درخشش و اعتلای خود رسید؛ چرا که «بی‌تردید عصر فاطمیان برترین دوران شکوفایی هنر اسلامی در مصر بود که در آن هنر و معماری به اوج عظمت خود رسید» (محمدحسن، ۱۹۷۳: ۱۰). شکل‌گیری بنیان نخستین هویت و مکتب فلزکاری مصر (قاهره) مرهون اهتمام و حمایت حاکمان همدوست فاطمی و امنیت و آرامش این دوره است. «سلاطین فاطمی در قرن‌های چهارم، پنجم و ششم در



شکل ۱: سیر تاریخی شکل‌گیری و تداوم هنر فلزکاری در تمدن اسلامی مصر (نگارنده، ۱۳۹۷).

«بسیاری از کارهای فلزی خاتم‌کاری شده و با کیفیت بالا در اواخر دوران قرون وسطی در سوریه و مصر مملوک تولید می‌شد؛ که از آن جمله می‌توان به ظروف غذای مملوک جهت استفاده در غذاخوری‌های فضای باز، ساخته شده بود» (ایروین، ۱۳۸۹: ۱۷۰). جامعه مصر به‌ویژه طبقه سلاطین مملوکی، درباریان و افراد متمول «آثار هنری [فلزی] متعددی در اختیار داشتند که نمایانگر فرهنگ غنی آن‌ها بود. بر روی این آثار نوشته‌هایی وجود داشت که از آرزوهای خوب برای صاحبانشان و یا دعوت به پاکدامنی، عدالت، شفقت و نجابت حکایت می‌کرد. این اشیای هنری، به‌نوعی قدرت صاحبانشان را نیز نشان می‌داد» (هاگدورن و ولف، ۱۳۹۴: ۲۹).

دوران مملوکی، اوج درخشش هنر فلزکاری مصر
یکی از مهم‌ترین دوره‌های حکومتی در مصر و شام در دوران اسلامی، سلسله مملوکی بود. مملوک‌ها یا مماليک «جمع مملوک به معنی غلام که برگرفته از واژه ترکی کوله به معنی سرباز و مزدور است که در زبان عربی به صورت مملوک به کار رفته است. بیشتر این واژه را در مورد سربازان سفید پوست به کار می‌بردند و از آن‌جا که سلاطین مماليک مصر از فرماندهان و جنگاوران ترک بودند و جزء قراولان الملک الصالح ایوب قرار داشتند بدین‌نام نامیده شدند» (لین پول، ۱۳۸۹: ۷۰). مملوک‌ها «حاکمان ترک‌تباری بودند که بر شام و مصر حکومت می‌کردند» (بوسورث، ۱۳۷۱: ۱۰۸). دوران حاکمیت مملوکی، اوج درخشش هنر فلزکاری مصر است.

سوی سوریه (دمشق) و مصر (قاهره) در اثر حمله مغولان است. «شهر موصل هم‌چنان در طی قرن هفتم هجری، پیشاهنگ شهرهای ساخت آثار فلزی مرصع‌کاری بوده است. فلزکاران موصلی پس از حمله مغول در سال ۶۶۰ هـ/ ۱۲۶۲ م و پس از سقوط این شهر که آواره شدند و به شهرهای دمشق و قاهره گریختند فعالیت خود را در آن‌جا ادامه دادند. شباهت آثار موصل با آثار قاهره و دمشق از نظر ساخت و تزئین، دلیل بر این مدعاست» (العبدی، ۱۳۹۰: ۳۳). در واقع اگر گفته می‌شود هنر فلزکاری مصر (قاهره) و سوریه (دمشق) متأثر از هنر فلزکاری موصل بوده‌است، به‌گونه‌ای صریح و ضمنی تأکیدی است بر بنیانگذاری سبک فلزکاری خراسان عصر سلجوقی در مصر و سوریه از طریق موصل (وارد، ۱۳۸۴: ۸۰). این نکته در بسیاری از منابع مکتوب به‌طور شفاف اشاره شده‌است؛ ضمن این‌که شیوه ساخت، پرداخت و تزئین، الگوها، نقش و نگاره‌ها و مضامین ایرانی مربوط به دوران باستان (ساسانی) و دوران سلجوقی بر روی ظروف ساخت مکتب فلزکاری موصل، دمشق و قاهره گویا و مؤید این نکته است.

نفوذ فلزکاری موصل در نیمه دوم سده هفتم هجری قمری بر هنر فلزکاری مملوک آشکار است؛ زیرا سطح اثر به افریز، شمشه و تزیینات تقسیم شده و شامل کتیبه‌هایی از قبیل جملات دعایی است؛ اما تزیینات اصلی پیکره‌دار شامل تصاویر شراب‌خواران، نوازندگان، شکارچیان و صورفلکی با زمینه طوماری است که تماماً ریشه در هنر ایران دارد. در پایان این سده تمایل و سلیقه مالیک به نشان‌های خانوادگی امیران سوق داده شد که این نشان‌ها شامل تزیینات و کتیبه‌هایی معمولاً در ستایش عناوین سلاطین می‌شود (همان: ۱۱۱). جیمز دبلیو آلن^۳ معتقد است: «بسیاری از پژوهش‌گران بر این نکته تأکید کرده‌اند که کارگاه‌های نو بنیاد در قاهره در ابتدای دوران مملوکیان در مصر، وامدار صنعت گران موصلی‌اند» (آلن، ۱۳۸۲: ۸۰).

در قرن هفتم هجری قمری، فلزکاران موصلی آکه عمدتاً فلزکاران مهاجر از خراسان بودند، اغلب به‌سوی مصر و سوریه مهاجرت کرده و سپس در شهرهای دمشق، حلب و قاهره برای امرا و شاهزادگان شروع به کار نمودند. سبک کار آن‌ها همان اسلوب مکتب موصل بود که در سال‌های بعد، فلزکاران محلی نیز به این جمع افزوده شدند و به‌تدریج ویژگی‌های بومی

سلطان حسن‌بن محمد نصیرالدین (۷۳۹-۷۲۵ ه.ق) که مهم‌ترین دوره هنری مملوک‌ها به‌شمار می‌رود، کارگاه‌های درباری در قاهره و دمشق، تنها به خلق کتیبه‌های تزئینی بسنده نمی‌کردند، بلکه اشیای هنری بسیاری را با مواد گوناگون طراحی و تولید می‌نمودند که از آن جمله می‌توان به فلز، عاج، فرش، پارچه، شیشه و چوب اشاره کرد» (همان، ۱۵ و ۳۰)، که به‌شدت مورد توجه اروپا (ایتالیا و شمال آلف) قرار گرفت و بسیاری از آن‌ها برای خریداری آثار هنری به قاهره سفر کردند؛ به‌ویژه آثاری که با عنصر خط و خوشنویسی، نقش‌مایه‌های انسانی و جانوران تزئین شده بود. «صنعت فلزکاری قاهره در زمان سلاطین مملوکی به‌ویژه سلطان ناصرالدین محمدبن قلاوون به بالاترین درجه می‌رسد. این مکتب دارای استقلال در هویت خود می‌شود» (آیت‌اللهی و پاکبازی، ۱۳۸۲: ۱۴۳). در این مکتب، مفرغ به‌صورت نقش‌دار و فلزنشانی تزئین یافت. این هنر از موصل به مصر و سوریه در دوره ایوبی و از طریق سازندگانی که در قرن هفتم با تشویق فرمانروایان ایوبی مهاجرت کردند، انتقال یافت.

آثار فلزی مصر به‌ویژه تولیدات دوران مملوکی، هم به‌لحاظ کیفی و هم کمی، در شمار زیباترین و ارزشمندترین آثار فلزی دوران اسلامی ساخت مکاتب فلزکاری سلجوقی (اصفهان، ری، همدان، شیراز، خراسان و موصل و شمال عراق و جنوب ترکیه - سرت، دیاربکر) و سوریه (دمشق و حلب) است. به‌طور مشخص باید به شمعدان‌ها^۴ و بخوردان‌های استوانه‌ای ساخت مکتب فلزکاری مصر مملوکی اشاره داشت؛ آثاری با فلز سرخ پُرمایه و مزین به ترصیع‌کاری‌های ظریف با نقش و نگاره‌های متعدد و متنوع. «تلاش و توجه مملوک‌ها در ساختن شمعدان‌ها و پایه‌هایی که برای قراردادن لوازم در مسجدها استفاده می‌شد، به‌شکوفایی صنعت فلزکاری در این دوره، منجر گشت» (علام، ۱۳۸۶: ۲۵۷).

تأثیرپذیری مکتب فلزکاری مصر از مکتب فلزکاری موصل در شیوه ساخت، تزئین و محتوای تزئین

در مقوله تأثیرپذیری، مهم‌ترین نکته‌ای که می‌بایست بدان اشاره داشت، مهاجرت هنرمندان شمال‌شرق ایران از خراسان به موصل و متعاقباً به همراه هنرمندان موصلی از آن‌جا به

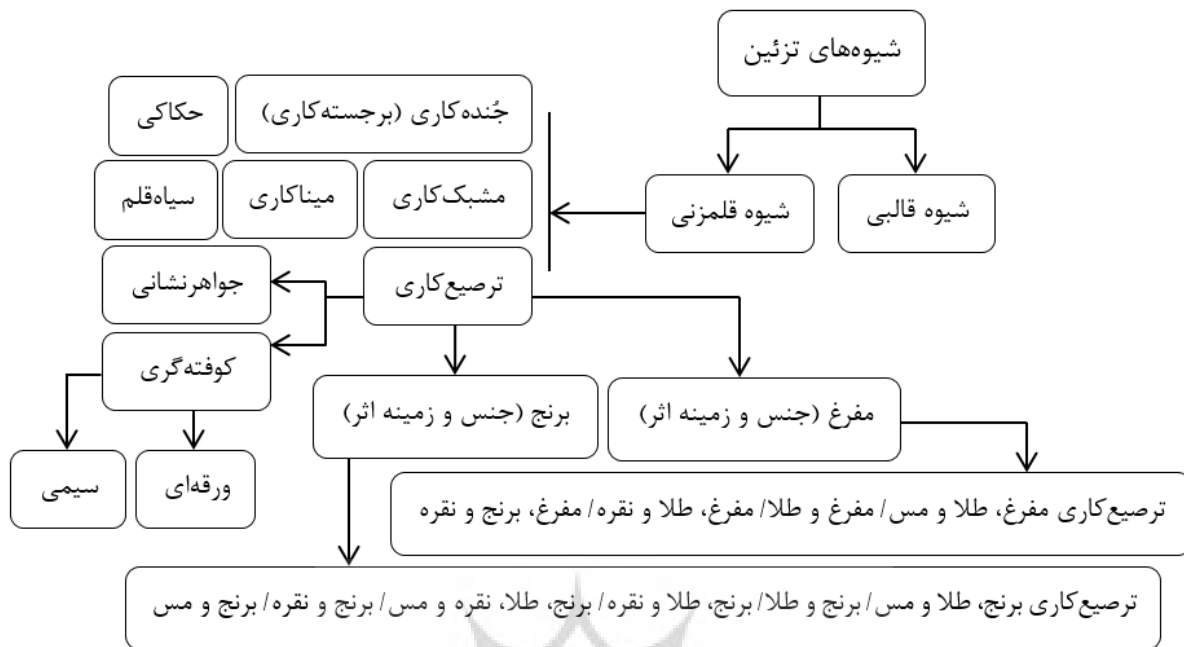
شیوه‌های تزئین آثار فلزی

تزئین «ماده [اثر هنری] در هنر را می‌توان اصیل‌گردانی آن اثر هنری تعبیر کرد؛ بدین معنی که هر فرآیندی که باعث شود اثر هنری اصیل گردد و با نمونه ازلی و آرمانی شباهت بیشتری داشته باشد؛ آن ماده را نماد سر راست‌تر و قابل درک‌تری از عالم باطن می‌سازد» (عنایت، ۱۳۸۷: ۳۵). تزئین «تنها مایه لذت چشم یا تفریح ذهن نیست، بلکه مفهومی بسیار عمیق‌تر دارد. نقش و تزئین به واقع وسیله‌ای برای پرستش و مایه‌ای برای راز و نیاز و آرامش و نیروی باطنی است» (پوپ، ۱۳۸۷: ۸). شیوه‌های تزئین آثار فلزی در مکتب فلزکاری مصر، متأثر از مکتب فلزکاری موصل و سوریه است. ترصیع کاری به‌عنوان برجسته‌ترین روش تزئین در آثار فلزی دوران اسلامی، مهم‌ترین و رایج‌ترین شیوه تزئین آثار فلزی مصری است. «مرصع کاری موجود در آثار قاهره و دمشق، بر عکس آثار ایرانی که بیشتر از مس و نقره استفاده شده‌است، منحصر به دو ماده طلا و نقره می‌شود» (العبدی، ۱۳۹۰: ۲۰۴). ترصیع کاری «جلوه‌ای درخشان به اثر می‌بخشید و پیش از دوره سلجوقی نیز رایج بود؛ اما پس از وقفه‌ای مجدداً در این دوره رونق یافت. غنا و پرمایگی رنگ‌ها از ویژگی خاتم کاری این دوره بود» (اتینگهاوزن، ۱۳۷۶: ۵۰). از مهم‌ترین شیوه‌های آثار فلزی در همه مکاتب فلزی و به‌طور خاص مکتب قاهره، ترصیع کاری است که در دوران مماليک (قرن هفتم و هشتم) به اوج زیبایی و کاربرد خود رسید.

را یافتند؛ بدین گونه مکتب فلزکاری مملوکی را پایه‌گذاری کردند (دیمانند، ۱۳۸۳: ۱۴۹). هم‌چنین روبرت ایروین معتقد است: «با آمدن مغولان، فلزکاران بسیاری از ایران و موصل، به غرب یعنی سوریه و مصر مملوک گریختند» (ایروین، ۱۳۸۹: ۲۰۵). روابط بازرگانی ایران از طریق خلیج فارس و بخش‌های شمال شرق و غرب و جنوب کشور، باعث صدور بخش اعظم آثار فلزکاری ایران به مناطق دیگر شد که بخشی از آن به‌دوره حکومت مملوکیان در مصر و سوریه می‌رسد (فدایی، ۱۳۸۷: ۲۷). مصریان و هنرمندان فلزکار مصری «از طریق ارتباطات دریایی و خشکی با ایران، بسیاری از نفایس و نقش‌مایه‌های ایرانی را به مصر انتقال دادند و با ویژگی‌های محلی خود ادغام کردند که بیشتر منشأ ایرانی دارد» (همان: ۳۰).

فلزات مورد استفاده در آثار فلزی

در فلزکاری اسلامی که در واقع ادامه و استمرار فلزکاری دوره باستان بوده‌است، از موادی (فلزها) استفاده می‌شد که پیش از اسلام نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت. با این حال در مکاتب فلزکاری دوران اسلامی، در افزایش استفاده و کاربرد فلزها، تحولات قابل توجهی صورت گرفت. «فلزکاران اسلامی، فلز جدیدی هم‌چون روی را به‌صورت آلیاژ در تولید برنج، به صنعت فلزکاری اضافه کردند» (وارد، ۱۳۸۴: ۲۸). فلزها و آلیاژهای مورد استفاده در مکتب فلزکاری مصر هم‌چون دیگر مکاتب عبارت بود از: مس، سرب، طلا، نقره و آلیاژهای پُر کاربرد برنز (تلفیق مس و روی) و برنز (مفرغ، تلفیق قلع و روی). از میان این مواد، طلا و نقره به‌دلیل جایگاه پر ارزشی که داشتند، صرفاً برای تزئین و ترصیع کاری بدنه آثار به کار می‌رفت. رنگ تیره (قهوه‌ای سوخته) برخی از آثار فلزی - به دلیل استفاده زیاد فلز قلع در ساخت آلیاژهای برنز و برنج - یکی از ویژگی‌های آثار مصری است. این ویژگی در آثار موصل و سوریه دیده نمی‌شود. «ماده اصلی فلز موردپسند برای اشیای ظریف و زیبا در سرتاسر دوران اسلامی، برنج بود. قلشندی مورخ مملوکی، هنگامی که از مواد مورد علاقه خوشنویسان برای قلمدان‌هایشان صحبت می‌کند، می‌گوید: برنج بیشتر از تمام فلزات استفاده شده‌است» (همان: ۲۹).



شکل ۲: شیوه‌های تزئین به‌ویژه ترصیع کاری با انواع فلزات و آلیاژهای مس، طلا، نقره، مفرغ، برنز (نگارنده، ۱۳۹۷).

انواع تزئین‌های رایج در آثار فلزی

تزئینات موجود بر سطح آثار فلزی مکتب فلزکاری مصر که در قالب انواع نقش‌ها و نگاره‌های متنوع، خود را نشان می‌دهد، شامل نقش‌های گیاهی، جانوری (حیوانات و پرندگان)، انسانی، هندسی و خط‌نگاره‌ها می‌باشد. در جدول ۱، نمونه‌های تصویری انواع تزئین‌های موجود بر آثار فلزی مصر آورده شده است.

است، ممکن است مانند برخی از تزئینات هندسی، به یک طرح بی‌نهایت، بدون هیچ محدوده آغازین و پایانی، اشاره داشته باشد. یکی از مؤلفه‌های مؤثر در طرح‌های بی‌نهایت اسلیمی، منشعب شدن برگ‌ها، گل‌ها یا نقش‌مایه‌های دیگر از یکدیگر - و نه تنها از ساقه - است» (کنبی، ۱۳۹۳: ۲۶).

نقش و نگاره‌های هندسی

نقش‌ها و نگاره‌های هندسی، یکی از انواع تزئینات ثابت و قابل توجه در انواع هنرهای اسلامی به‌ویژه فلزکاری است. در آثار فلزی مصر، این نوع از تزئینات از قرن‌های آغازین و هم‌زمان با شکل‌گیری هنر فلزکاری به‌تدریج خود را در آثار فلزی قاهره نمودار ساخت و در دوره مملوکی به اوج خود رسید. تزئیناتی که علاقه هنرمندان و صنعتگران را به ترویج و توسعه هندسه و ریاضیات در بستر و محیط عقلانی و اندیشمندانه جامعه آن روزگار نشان می‌دهد. «نقش‌های هندسی طی قرن‌های اول و دوم هجری رشد یافتند و از قرن سوم به بعد یکی از شکل‌های ثابت تزئینی در هنر اسلامی بوده‌اند» (کنبی، ۱۳۹۳: ۲۰). نقش‌ها و شکل‌های هندسی در آثار فلزی مصر نظیر نقش‌مایه‌های هندسی (Y)، (Z) و (T)،

نقش و نگاره‌های گیاهی

نقش‌ها و طرح‌های گیاهی که شامل انواع گل و بوته‌ها، پیچک‌های به‌هم تابیده اسلیمی و درخت‌های ساده و گل‌های نیلوفر و چندپر، انتزاعی و تجریدی می‌باشد، بیشتر نقش پُرکنندگی زمینه و فضاهای خالی بین سایر نقش‌مایه‌ها یا کتیبه‌های اثر را عهده‌دار است. در نقش‌مایه‌های گیاهی، اسلیمی‌های ظریف و ساده مهم‌ترین نوع تزئین گیاهی بر سطح آثار فلزی مصری است. اسلیمی «یک طوماری با عناصر گل و برگ تکرار شونده و دوطرفه که به یک تاک وصل می‌شود، نوعی ساختار قاب‌بندی یا پُرکننده در هنر اسلامی را ارائه می‌دهد. اسلیمی که از رشد طوماری‌های تاک و برگ کنگر [عهد باستان، دوران اشکانی و ساسانی] به‌وجود آمده

بر بدنه آثار فلزی ساخت مکاتب خراسان، موصل و به تبع آن دمشق و قاهره، به صورت سواره و یا پیاده اغلب در حال شکار و یا سرگرم دیگر فعالیت‌های روزمره نقش شده‌اند. در آثار فلزی مصری به تقلید از آثار موصلی، بر بدنه برخی از آن‌ها نقش‌مایه‌های انسانی دیده می‌شود. البته ذکر این نکته ضروری است که نقش‌های انسانی در هر حالت و موقعیتی، به مراتب در آثار فلزی مصر و سوریه نسبت به خراسان و موصل کمتر است و این شاید به چند دلیل باشد. نخست این که کنده‌کاری و پرداخت نقش و نگاره‌های انسانی نیازمند مهارت و ظرافت زیادی از سوی هنرمند و شخص سازنده است که شاید سازندگان و هنرمندان مصری تبحر کافی را در این زمینه نداشته‌اند و یا این که این نوع تزئینات، موردپسند خود هنرمند یا سفارش‌دهندگان، واقع نشده‌است.

نقش و نگاره‌های جانوری (حیوانی و پرندگان)

آثار فلزی ساخت قاهره هم‌چون آثار موصلی، سرشار از نقش‌ها و طرح‌های متنوع جانوری شامل انواع حیوانات و پرندگان است که می‌توان به حیوانات و پرندگانی هم‌چون اسب، آهو، گوزن، شیر، پلنگ، سگ، خرگوش، قوچ، گراز، حیوانات خیالی، طاووس، غاز، مرغابی، اردک، بازشکاری، شاهین و عقاب اشاره کرد. در برخی از آثار ممکن است نقش‌های جانوری و بیشتر پرندگان، به صورت جداگانه و تنها در قاب یا ترنج‌هایی کنده‌کاری شده‌باشد. در برخی از آثار نیز ممکن است در قالب یک نوار، به تناوب و در ردیف‌هایی پشت سر هم یا به دنبال هم و در تعقیب یکدیگر (در حال فرار)، نقش‌اندازی شده‌باشند. نقش‌ها و طرح‌های جانوری در آثار فلزی مصر، نسبت به مکاتب خراسان، موصل و دمشق، به مراتب کمتر است.

متأثر از نقش و نگاره‌های موصل و به‌نوعی همان تزئیناتی است که در آثار موصل دیده می‌شود. «نوع دیگری از شکل‌ها و طرح‌های هندسی شبیه حروف لاتین (Y، Z و T) که بر روی برخی از آثار ساخت موصل ظاهر شده‌است، بر روی آثار فلزی ساخت قاهره نیز به چشم می‌خورد» (العبيدی، ۱۳۹۰: ۲۰۷). هم‌چنین ردیف‌های دایره یا گوی‌شکل (رشته مرواریدهای ساسانی) و خطوط هاشورگونه و نوارهای مارپیچ شکسته و زاویه‌دار و ممتد، عمده‌ترین نقش‌های هندسی در آثار مصری است که در آثار موصلی نیز دیده می‌شود.

خط‌نگاره‌ها

در بین انواع تزئینات یاد شده، خط‌نگاره‌ها و نوشتارها در قالب کتیبه‌ها، شاخص‌ترین نوع تزئین و مهم‌ترین ویژگی نقش‌پردازی آثار فلزی مملوکی مصر است. در بسیاری از آثار به‌جامانده از مکتب فلزکاری مصر، خط‌نگاره‌های متنوعی هم از نظر شکل و هم از نظر محتوا با دو خط رایج آن زمان یعنی نسخ و کوفی، نقش‌پردازی و کنده‌کاری شده‌است. فضای این خطوط غالباً با نقره و طلا و به صورت محدود با مس، پُر شده‌است. ضمن این که هنرمند به سلیقه خود و هم‌چنین در نظرگرفتن فضای اثر، حروف عبارت‌ها و کتیبه‌ها را با استفاده از انواع گل و بوته‌ها و برگ‌های ریز یا سرو کله آدمی - که از مکتب فلزکاری خراسان به موصل و سپس به شام (دمشق و حلب) و مصر (قاهره) انتقال یافته بود - آراسته و شکل می‌داد. «انتهای حروف و نقوش گیاهی به شکل سر انسان یا بدن حیوان احتمالاً در ایالات خراسان ابتکار شده‌است» (دیمانند، ۱۳۸۳: ۱۴۱). از نظر ریچل وارد، کتیبه‌های مملوکی مصر، شاخص‌ترین نوع تزئینات آثار فلزی مصر است که از آن‌ها در کنار طالع‌بینی غوری هرات و نوع صحنه‌ها و مناظر زنگی موصل یاد شده‌است» (وارد، ۱۳۸۴: ۳۷). تصویر ۱ نمونه‌ای از خط‌نگاری در آثار فلزی مصر است که با خط نسخ به‌زیبایی بر بدنه شمعدانی کنده‌کاری شده‌است.

نقش‌های انسانی

نقش‌های انسانی، در انواع هنرهای اسلامی هم‌چون فلزکاری از برجسته‌ترین نوع تزئینات به‌شمار می‌رود؛ انسان‌هایی که

جدول ۱: انواع تزیینات به همراه نمونه‌های تصویری (نگارنده، ۱۳۹۷).

نوع تزیینات	تصویر
گیاهی	
جانوری	
حیوانی و پرنده	
انسانی	
خط‌نگاره‌ها	
هندسی	

محتوای تزئین‌های آثار فلزی

در آثار فلزی مصر، محتوای تزئین شامل انواع نقش‌مایه‌هاست که به صورت جداگانه کل فضا و بدنه اثر را نقش‌اندازی و متراکم می‌کنند؛ مانند انواع نقش‌مایه‌های جانوری، گیاهی و هندسی و هم‌چنین مضامین و صحنه‌های روایی، شامل صحنه‌های شکار، رقص و نوازندگی و مضامین و کتیبه‌های دعایی، شامل اذکار و ادعیه و آرزوی عمر طولانی، سلامتی و برکت برای صاحب اثر یا سفارش دهنده.

تحلیل نمونه‌های انتخابی

در این مقاله، تعداد ۸ اثر از مکتب فلزکاری مصر (قاهره) که در دوران مملوکی ساخته شده‌است، مورد مطالعه، بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. آثار یادشده شامل چهار شمعدان، یک جعبه عود و یک بخوردان استوانه‌ای است که از این آثار، سه اثر در مجموعه نوح السعید و دو اثر در موزه‌های ویکتوریا و آلبرت لندن و موزه هنرهای اسلامی قاهره می‌باشد.

جدول ۲: مشخصات کلی نمونه‌های انتخابی آثار فلزی مصر ساخت مکتب فلزکاری قاهره (نگارنده، ۱۳۹۷).

نام اثر	محل نگهداری	تاریخ ساخت	ابعاد	فن ساخت	شیوه تزئین	سفارش دهنده یا مالک	محل ساخت	دوره	تصویر
شمعدان برنجی	The Victoria and Albert Museum	بین سال‌های ۶۵۸ تا ۷۰۹ هـ ق	ارتفاع ۳۵/۷ و قطر ۳۲/۴ سانتی‌متر	ریخته‌گری	ترصیع کاری با نقره در زمینه برنجی	رکن‌الدین محمد بن البغدادی	مصر (قاهره)	مملوکی	
سر و گردن شمعدان برنجی	Cairo Islamic Museum of Arts	سال ۶۹۴ هـ ق	ارتفاع ۱۴ و قطر ۸/۵ سانتی‌متر	ریخته‌گری	ترصیع کاری با طلا و نقره	سلطان اشرف خلیل بن قلاوون	مصر (قاهره)	مملوکی	
شمعدان برنجی	Al- (lan, 1982:81)	حدود ۶۷۰ هـ ق	ارتفاع ۱۷/۵ و قطر ۱۹/۵ سانتی‌متر	ریخته‌گری	ترصیع کاری با نقره	مشخص نیست	مصر (قاهره)	مملوکی	
جعبه عود	Al- (lan, 1982:85)	بین سال‌های ۶۹۳ تا ۷۴۱ هـ ق	ارتفاع ۴/۴ و قطر ۱۱/۱ سانتی‌متر	ریخته‌گری	ترصیع کاری با نقره و طلا	ملک‌الناصر سلطان محمد بن قلاوون	مصر (قاهره)	مملوکی	
بخوردان استوانه‌ای	Al- (lan, 1982:87)	بین سال‌های ۶۹۳ تا ۷۴۱ هـ ق	ارتفاع ۳۶/۵ و قطر ۱۶/۵ سانتی‌متر	ریخته‌گری	ترصیع کاری با نقره، طلا و سیاه‌قلم	ملک‌الناصر سلطان محمد بن قلاوون	مصر (قاهره)	مملوکی	
پایه سینی	Al- (lan, 1982:97)	بین سال‌های ۷۴۳ تا ۷۴۵ هـ ق	ارتفاع ۲۲/۶ و قطر ۲۴/۴ سانتی‌متر	ریخته‌گری	ترصیع کاری با نقره، طلا و سیاه‌قلم	سلطان اسماعیل یا الملک الناصر محمد بن قلاوون	مصر (قاهره)	مملوکی	
کاسه	Al- (lan, 1982:99)	بین سال‌های ۷۴۷ تا ۷۴۸ هـ ق	ارتفاع ۱۰/۳ و قطر ۲۳/۵ سانتی‌متر	ریخته‌گری	ترصیع کاری با نقره، طلا و سیاه‌قلم	مشخص نیست	مصر (قاهره)	مملوکی	
تشت	Paris Louvre Museum	احتمالاً اواسط قرن هشتم هـ ق	ارتفاع ۲۱ و قطر ۲۳ سانتی‌متر	ریخته‌گری	ترصیع کاری با نقره، طلا و سیاه‌قلم	احتمالاً خانواده یا شخص شاه لوئیس نهم	مصر (قاهره)	مملوکی	

سر و گردن شمعدان برنجی

در تصویر ۲، سر و گردن شمعدانی نشان داده شده است. جستجوهای بسیاری در سایت‌های موزه‌ها و مجموعه‌های مشهور انجام شد، اما از سرنوشت بدنه این شمعدان اطلاعی یافت نشد. اگرچه برخی حدس‌ها و گمان‌ها مبنی بر وجود بدنه در گالری هنری والترز بالتیمور در آمریکا وجود داشت، لیکن با جستجویی که در سایت این موزه انجام شد، بدنه چنین شمعدانی پیدا نشد. جنس این شمعدان از برنج است. در سر و گردن این شمعدان از چهار نوع تزئین گیاهی، نوشتاری، هندسی و انسانی به‌وسیله نقره، استفاده شده است. دو نوار چهارم و هشتم از پائین به بالا، پهن‌ترین نوارها و باقی نوارهای باریک و کم حجم هستند. از پائین به بالا، نخستین نوار ردیفی از خطوط هاشورگون است که هم‌چون برگ نخل انتزاعی و بلندی است که گردن شمعدان را احاطه کرده است. دومین نوار که به ندرت در آثار فلزی موصل و مصر دیده شده است، ردیفی از سروهای هندسی و انتزاعی است. سومین نوار، تزئین هندسی با خط ممتد و مارپیچ شکسته است. این نقش‌مایه در سایر آثار مصری، موصلی و دمشق‌ی نیز رواج بسیار دارد. چهارمین نوار که زیباترین نوار و در حقیقت مهم‌ترین نوار است؛ مضمون رقص دسته جمعی افرادی را نشان می‌دهد که پویایی برجسته‌ای را بر بدنه شمعدان به نمایش گذارده است. صحنه رقص دسته‌جمعی، از نادرترین مضامین و موضوعاتی است که در آثار ساخت مکتب فلزکاری مصر دیده می‌شود. نوارهای پنجم و ششم تکرار نوارهای دوم و سوم است. نوار هفتم که باریک‌ترین و کم‌عرض‌ترین نوار شمعدان است؛ ردیفی از رشته مرواریدهای ساسانی است که متأثر از هنر و تزئینات ساسانی است و هم‌چون دیگر نقش‌مایه‌های ساسانی و سلجوقی، توسط هنرمندان موصلی به آثار فلزی مصر راه یافته است. نوار هشتم، تکرار نوار نخست است. نوار نهم که دومین نوار پهن در این شمعدان است، دارای محتوایی از نوع تزئینات نوشتاری است: کتیبه‌ای با خط نسخ و با مضمون دعا (جلال، شکوه، عمر و زندگی طولانی بیش از پیش برای سلطان اشرف خلیل بن قلاوون و پیروزی بر دشمنانش) برای صاحب اثر یا سفارش‌دهنده. در بین عبارت دعا، دو دایره کنده‌کاری شده است که دارای نقش‌مایه (Z) است. این نقش‌مایه یکی از

شمعدان برنجی موجود در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن

شمعدان مذکور، از جنس برنج و دارای نه نوار تزئینی در قسمت بدنه و گردن است. فن تزئین در این اثر هم‌چون بیشتر آثار فلزی، ترصیع‌کاری زمینه برنجی با نقره است. در محل بدنه، نوار اصلی و در واقع پهن‌ترین نوار نقش‌پردازی شده است. پائین‌ترین نوار در قاعده شمعدان، ردیفی از رشته مرواریدهای ساسانی است که در هنر فلزکاری و آثار فلزی دوره سلجوقی و موصل به‌وفور یافت می‌شود. نوار بالایی نیز تکراری از گل‌های سه‌پر ریز است. سپس نواری از خطوط و هاشورهای هندسی کنده‌کاری شده است. بعد از آن، نوار اصلی و مرکزی که پهن‌ترین نوار بوده و حجم اصلی تزئینات و نقش‌پردازی را در خود جای داده است، آغاز می‌شود. این نوار شامل تزئینات گیاهی، جانوری (حیوانات و پرندگان) و خط و خوشنویسی است. زمینه نوار با یک بافت یکنواخت از پیچک‌های اسلیمی پیچ و تاب‌دار و انواع گل و گلبرگ‌های ریز کنده‌کاری شده است. این نقش‌های گیاهی در حکم عناصر تزئینی پُرکننده، فضای پر تراکم و فشرده‌ای به شمعدان بخشیده است. سپس انواع نقش‌مایه‌های جانوری شامل حیواناتی نظیر پلنگ، بزکوهی، خرگوش و هم‌چنین انواع مرغان نظیر مرغابی و اردک در حالت پرواز و هم‌چنین عبارت خوشنویسی بسیار زیبا با خط ثلث نرم و روان نقش‌اندازی شده است. دو نوار باریک بعدی نیز، ردیفی از خطوط آریب و گل و برگ‌های ریز است. در قسمت گردن نیز، دو نوار نقش‌پردازی شده وجود دارد؛ یکی شامل انواع گل و برگ‌های ریز و درشت و مرغابی‌های روبه‌روی هم در ترنج‌ها و قاب‌های کوچک حاصل از خطوط منحنی و متصل به هم و دیگری نیز شامل کتیبه‌ای با عنوان نام سفارش‌دهنده؛ یعنی رکن‌الدین محمد بن البغدادی. هم‌چنین در فضای نسبتاً گود بین کتف و گردن شمعدان، ردیفی به هم پیوسته از پیچک‌های اسلیمی، نقش‌پردازی شده است.



تصویر ۱: شمعدان برنجی
The Victoria and Albert
(Museum)

سلامت و (۴) و (۴) نافذ، بخت بلند و مساعد/ پیروزی (ظفر) و امر نافذ برای صاحب این [شمعدان] باد.

این شمعدان نسبت به سایر شمعدان‌های مملوکی، زمینه‌ای نسبتاً خلوت دارد. تراکم و پرکاری تزئین و نقش‌اندازی زمینه در آن به چشم نمی‌خورد. از پائین‌ترین بخش قاعده رو به بالا، نواری با رشته مرواریدهای ساسانی دیده می‌شود. نوار بعدی، نقشی از خطوط منحنی مارپیچ و در هم بافته شده است. این خطوط مارپیچ و درهم تنیده در سایر آثار مملوکی و پیش از آن در آثار موصلی و دمشق‌ی به‌وفور دیده می‌شود. بالاترین نوار در بخش بدنه شمعدان نیز از تزئین هندسی برخوردار است. نقشی از کنده‌کاری، ردیفی از خطوط هاشورگون و بر هم خوابیده. این نقش در ابتدای گردن شمعدان نیز دیده می‌شود. در فضای میانی گردن، سه نوار شامل خطوط درهم بافته شده و خطنگاره کوفی وجود دارد. آخرین بخش تزئین شامل نواری است با نقش پیچک‌های اسلیمی و گل‌های ریز به هم پیوسته و درهم فرو رفته.



تصویر ۳: شمعدان برنجی به همراه بخشی از جزئیات بدنه (آن، ۲۸۹۱: ۸۱).

جعبه عود

یکی از مهم‌ترین و منحصر به فردترین انواع آثار فلزی دوره مملوکی به‌ویژه مکتب فلزکاری مصر، آثار کم‌حجم و کوچک اندازه‌ای است به نام جعبه عود^۴ یا عودسوز جعبه‌ای (تصویر ۴). البته از این آثار کوچک فلزی می‌توان از جوهردان‌های ساخت مکتب فلزکاری خراسان و موصل نیز یاد کرد؛ اما عودسوزهای جعبه‌ای با عمق کم، مختص دوره مملوکی و ساخت کارگاه‌های قاهره و دمشق است. جعبه عود حاضر

نقش‌مایه‌های پرکاربرد در مکتب فلزکاری موصل است که در آثار فلزی مصری نیز رواج یافت.



تصویر ۲: سر و گردن شمعدان برنجی (Cairo Islamic Museum of Arts)

شمعدان برنجی

سومین اثر فلزی از مکتب فلزکاری مصر و مشخصاً قاهره، شمعدان برنجی موجود در مجموعه نوح السعید است (تصویر ۳). شمعدانی مخروطی‌شکل با گردنی بلند و استوانه‌ای و بدنه‌ای مقعرشکل. زمینه شمعدان با تکرار نقش‌مایه (Y) شکل، نقش‌اندازی شده است. بدنه به چهار ترنج هشت‌پر مزین است. دو تا از ترنج‌ها، نقش یک شکارچی سوار بر اسب را نشان می‌دهد. در یک ترنج نیز، خنیاگران نقش بسته‌اند و در دیگری نقش یک خنیاگر در حالت رقص و پایکوبی دیده می‌شود. این ترنج‌ها با یک نوار شامل کتیبه‌ای به خط نسخ دیده می‌شود. بر بدنه شمعدان از قاعده پائین به بالا جمعاً نه نوار با تزیینات هندسی، گیاهی (اسلیمی‌های درهم فرورفته و به هم پیوسته)، نوشتاری و انسانی (با محتوای شکار) نقش‌انداز کنده‌کاری شده است. کتیبه روی بدنه شمعدان، خط نسخ است و هم‌چون دیگر کتیبه‌های دعایی موجود بر بدنه دیگر آثار فلزی دوران اسلامی، شامل دعا برای صاحب اثر است. متن کتیبه چنین است: عزت دائم و عمر سالم / و اقبال فراوان (زائد) / و دولت باقی و سلامت کامل و امر نافذ برای صاحب این [شمعدان] باد. هم‌چنین متن دیگر کتیبه که بر گودی یا سینه شمعدان (فضای بین انتهای بدنه و ابتدای گردن) کنده‌کاری شده است، عبارت است از: عزت دائم و عزت دائم و

که ذکر آن خواهد آمد، نه تنها با عناوین سلطان مملوکی محمدبن قلاوون مزین شده است، بلکه دارای دوایری است که از او با لقب «پادشاه آفتاب» [ملک الشمس] یاد شده است. در این خصوص، این دوایر، به جای القاب دیگری مانند «سلطان و سرور ما عزیز باد»، حامل شاخص ترین القاب او -الملك الناصر- است. از دیگر تزیینات به کار رفته در این اثر، می توان به نقش های هندسی (خطوط منحنی مارپیچ) و رشته مروریدهای ساسانی اشاره داشت.



تصویر ۴: شمعدان برنجی (آلن، ۱۹۸۲: ۸۵).

عودسوز (بخوردان) استوانه ای

همان گونه که پیشتر اشاره شد، یکی از آثار زیننده و کاربردی دوران مملوکی به ویژه در قاهره، بخوردان های استوانه ای است. این آثار صرفاً برای دربار سلاطین مملوکی و سفارش دهندگان طبقه مرفه ساخته می شد. بخوردان مورد مطالعه در این مقاله (تصویر ۵)، از برجسته ترین آثار تولید شده در مکتب فلزکاری مصر است. از ویژگی های این بخوردان سه پایه، پرکاری، تراکم و شلوغی بدنه از نظر نقش اندازی است. این اثر، به جز در مواردی محدود (بخش انتهایی قاعده، قسمت انتهایی بدنه و ابتدایی درپوش) که از تزیینات هندسی یعنی خطوط ممتد شکسته استفاده شده است و نقش مرغابی های روبه روی هم در درون دایره ها، بقیه تزیینات عودسوز شامل بدنه، درپوش و پایه ها، گیاهی (از نوع سلیمی و گل برگ های ریز و سه پر) و نوشته نگاره هایی به خط نسخ کنده کاری شده است. در بخش های کتیبه نگاری شده، خطوط و حروف، تزیینات گیاهی را پنهان نموده است. عودسوز مورد بحث «از نظر اندازه، سالم ماندن و شکوه طراحی اش، بی گمان عالی ترین نمونه برجای مانده است. از جمله چشم گیرترین تزیینات آن، خوشنویسی های دایره وار

دارای عمقی کم و شکلی گرد و دایره ای و شبیه قبه الصخره^۶ است با این تفاوت که آن هشت ضلعی و این دایره ای است. در جعبه مذکور، انواع تزیینات هم چون جانوری (پرندگان)، گیاهی (گل های چهارپر) و مهم تر و عمده تر کتیبه و خط نگاره ها بر بدنه و درپوش جعبه، کنده کاری و با نقره و طلا ترصیع کاری شده است. درپوش جعبه، شانه ای صاف دارد و در وسط دارای قبه ای گنبدی شکل و بزرگ است. بدنه و درپوش، هر دو مزین به نوشته هایی به خط نسخ اند. در این جعبه، در مجموع هفت نوار با انواع تزیینات دیده می شود. برخی از نقش ها و تزیینات در اثر گذشت زمان از بین رفته و به سختی قابل مشاهده اند. بر بدنه جعبه، قطعاتی از خط نگاره هایی وجود دارد که هر قطعه با شمشه یا دایره ای قطع شده است. در میان این شمشه ها، پرندگانی روبه روی هم نقش اندازی شده است که یادآور سنت های تصویری ایران باستان به ویژه هنر ساسانی است. هم چنین جای پرچ های لولا بر بدنه مشخص است. ضمن این که یک جفت لولای اصلی چفت های اولیه این عودسوز مفقود شده است. محتوای کتیبه ها هم چون دیگر آثار مورد مطالعه، مضمونی دعایی و ستایش کننده دارند. نوشته های نقش اندازی شده بر بدنه عبارت است از: عزت [انثار] سرور ما [مولانا] سلطان / الملک الناصر العالم العامل العادل جنگاور [الغازی] مجاهد یاری دهنده [ناصر] دنیا و دین محمد / بن السلطان الملک المنصور / قلاون الصالحی که یارانش عزیز باد [اعز انصاره]. کتیبه های روی شانه درپوش: عزت [انثار] سرور ما [مولانا] سلطان / الملک الناصر یاری دهنده [ناصر] دنیا و دین محمد / بن السلطان الملک المنصور / قلاون الصالحی که یارانش عزیز باد [اعز انصاره]. کتیبه های روی قبه گنبدی شکل میان درپوش: (به زبان عربی): عزت [انثار] سرور ما [مولانا] سلطان / الملک الناصر یاری دهنده [ناصر] دنیا و دین محمد / بن السلطان الملک المنصور / قلاوون. نوشته میان دایره های روی درپوش شامل لقب محمد بن قلاوون یعنی: الملك الناصر. مالک این جعبه عود هم اکنون آقای آر. پیندر ویلسون^۷ است. این اثر یک بار در سال ۱۹۶۸ در موزه اشمولین آکسفورد به نمایش درآمد. بی گمان یک جفت لولا و یک جفت چفت اصلی این جعبه عود زیبا جلوه ای زیبا به آن می داده است. این جعبه عود هم چون عودسوز استوانه ای بعدی

بزرگ بر بدنه و درپوش، با حروف طلایی‌رنگ و کشیده که به پرتوهای ساطع شده از خورشید می‌مانند، خودنمایی می‌کند. تصور می‌رود این‌گونه نوشته‌های دایره‌وار به خودی خود نمادی از خورشید و پرتوهای آن بوده و بدان اشاره دارد.

«شمسه میان عودسوز، [نماد] قرص خورشید است و نوشته‌های دایره‌گون، پرتوهای آن را نشان می‌دهد. اگر هنوز در مورد این گفته که، حاکم و خورشید بر نقوش مصنوعات جزیره (عراق - موصل)، مصر و سوریه مفهومی هم‌سنگ دارند، تردیدی وجود دارد، در این جا این تردید در مورد این هم‌سنگی از میان می‌رود. «المَلِک الناصر محمد بن قلاوون»، منبع نور برای زمین است» (آلن، ۱۹۸۲: ۸۳). درون این عودسوز یک سینی تعبیه شده است (شکل ۸) که تزئینات داخل آن ردیفی از درختان سرو انتزاعی و گل نیلوفر و نواری دایره‌ای با ردیفی از پرندگان (مرغابی‌ها) در حال پرواز است که بین آن‌ها شش دایره و درون هر دایره، گلی شش پَر نقش‌اندازی شده است. در فضای میانی سینی ستاره‌ای شش‌پَر دارای خطوط خمیده - در درون دایره‌ای محاط شده و در درون هر پَر، یک گل نیلوفر نقش‌اندازی شده است. ذکر این نکته ضروری است که یکی از مهم‌ترین خاستگاه‌های گل نیلوفر، سرزمین و تمدن مصر باستان بوده است. پرند (مرغابی) و گل نیلوفر دو مفهوم و نقش نمادین است که در هنرها و تمدن‌های میان‌رودان به‌طور خاص ایران و مصر به‌وفور دیده می‌شود. نیلوفر به‌عنوان یکی از گیاهان و نمادهای رازآلود در دنیای باستان، کاربردی نمادین در هنر و فرهنگ تمدن‌های هند (به‌ویژه در اندیشه بودایی)، مصر و ایران داشته است. در هنر و تمدن هند «نیلوفر تبدیل به نماد خورشید شد زیرا به سوریا^۱ - خدای خورشید - «خدای نیلوفر، پدر و پادشاه»، اطلاق می‌گردد. بعید نیست که این نوع نمادپردازی، خود از مصر باستان اقتباس شده باشد؛ زیرا در مصر باستان، نیلوفر نماد خورشید، زندگی، جاودانگی و رستخیز بوده است. در مصر باستان نیز میان خورشید و یک پرند آبی - که در این مورد غاز بوده و نه مرغابی - ارتباط وجود داشته است. غاز نماینده «ساب^۲» (خدای خورشید و پدر «اوزیریس^۳» [خدای عالم اموات و داور مردگان])، اوزیریس و «هورس^۴» [خدای خورشید با سری قووش‌مانند] بود. از آنجایی که

آن است که مهم‌ترین القاب سلطان را برشمرده است و سه واژه مهم از این القاب در عرض شمس‌های میانی می‌درخشد» (آلن، ۱۹۸۲: ۸۱).

نوشتار نگاره‌ها در دو نوار و در چهار شمس بزرگ به‌صورت دوار و در دوازده دایره کوچک، با طلا، نقره و فن سیاه‌قلم ترصیع‌کاری شده است. خط نگاره‌های درون شمس‌های روی درپوش: عزت [نثار] سرور ما [مولانا] سلطان المَلِک الناصر العالم مجاهد مدافع [دین]، ترجمه: محافظ مرزها؛ یاری دهنده دنیا و دین؛ محمد بن قلاوون. خط‌نگاره‌های درون نوار روی درپوش: عزت [نثار] سرور ما [مولانا] سلطان المَلِک الناصر العالم مجاهد مدافع دنیا و دین، محمد / سلطان الملک المنصور قلاوون الصالحی، [بزرگ باد] پیروزی او. خط‌نگاره‌های روی بدنه: عزت [نثار] سرور ما [مولانا] سلطان المَلِک الناصر العالم مجاهد مدافع [دین] ترجمه: محافظ مرزها؛ تأیید و یاری‌شده الهی؛ یاری‌دهنده دنیا و دین؛ محمد بن قلاوون.



تصویر ۵: عودسوز (بخوردان) استوانه‌ای (آلن، ۱۹۸۲: ۸۷).

عزت [نثار] سرور ما [مولانا] سلطان المَلِک الناصر العالم مدافع دنیا و دین؛ محمد بن الملک المنصور قلاوون الصالحی.

خط‌نگاره‌های درون دایره‌ها و شمس‌های کوچک: عزت [نثار] سرور ما [مولانا] سلطان [باد].

در میان تزئینات ترصیع‌کاری شده بر عودسوز، شمس‌های

که هر کدام، حکم یک پر از گل ده‌پر را دارد و هر کدام از آن‌ها نیز درون خود یک گل شش یا هفت پر را جا داده‌است. نقطه مرکزی و درونی هم شامل یک گل دوازده‌پر است. ظاهراً انواع گل‌های چندپر بر بدنه این عودسوز، همگی نمودی از گل نیلوفر است.

پایه سینی

ششمین اثری که در این مقاله مورد توصیف و تحلیل قرار می‌گیرد، پایه سینی استوانه‌ای شکل است (تصویر ۸) که در وسط دارای کمرگاهی محدب است. پایه و لبه آن حالتی دهان‌شیبوری دارد. بدنه با دو نوار بزرگ از خط نسخ مزین شده و در میان این خوشنویسی در بالا و پایین دو شمشه، حاوی خوشنویسی‌های گرد قرار گرفته است. کمرگاه محدب پایه سینی، در قسمت پایه و لبه، دارای نوارهایی از نقوش گل نیلوفر است که با نقوشی از صلیب شکسته و پرند در داخل شمشه قطع شده‌است. در مجموع، اثر حاضر مملو از پرکاری و هم‌نشینی انواع نقش‌مایه‌های گیاهی، نوشتاری و هندسی (شکل‌های شبیه حروف Z) است.

کتیبه‌ها

محتوای خط‌نگاره افقی بالای اثر به زبان عربی است و معنی فارسی آن عبارت است از: «المقر الکریم العالی المولوی / الامیری الکبیری الغتازی المجاهدی»، «قدرت کریم و بلند مرتبه / امیر بزرگ و جنگجو و مجاهد». همچنین خط‌نگاره افقی پایین «المرابطی المثناعری الذخری الهمامی / الکفیلی المبری القومی الناصری»، «پاسدارنده مرزها و خزانه تعالی / سرباز دلاور و وظیفه‌شناس و پاک الملک‌الناصر». مضمون کتیبه و خط‌نگاره‌ای که به صورت دایره‌ای کنده‌کاری شده است عبارت است: «المقر الکریم العالی المولوی / الامیری الکبیری الغتازی المجاهدی المثناعری العونی»، «قدرت کریم و بلند مرتبه / امیر بزرگ و جنگجو و مجاهد و پاسدارنده مرزها و در میانه دایره واژه «الملک‌الصالح»، نقش‌پردازی شده‌است. شمار زیادی از پایه‌های سینی‌های برنجی متعلق به دوران مملوکیان برجای مانده‌است. این پایه‌ها شکل و اندازه‌های گوناگونی دارند و برخی از فلز کوبیده درست شده‌اند و برخی دیگر به شیوه

نیلوفر- به عنوان نماد خورشید- با این سه خدا به طور مستقیم ارتباط داشت، نیلوفر و غاز نیز با یکدیگر در ارتباط بودند» (همان).



تصاویر ۶ و ۷: سینی درون عودسوز و بخش زیرین عودسوز

(آن، ۱۹۸۲: ۸۹).

هم‌نشینی مرغابی و گل نیلوفر در سینی این عودسوز، قطعاً پیامی نمادین برای مخاطب به‌همراه دارد. در این رابطه، جیمز دلبیو آن معتقد است: «مفهوم نمادین پرند و گل نیلوفر روی سینی عودسوز، گویای این است که هم مرغابی‌ها و هم نیلوفرها اشاراتی به خورشید دارند: در مرکز طرح، نقش گل سرخی است که خود نماد خورشید است و در عین حال توسط یک ستاره شش‌پر احاطه شده‌است که می‌توان آن را نیز با خورشید در ارتباط دانست. از این گذشته، گل طرح با برگ‌های نوک‌خنجری [ردیف سروگونه‌ها] احاطه شده است که بی‌تردید اشارتگر پرتوهای خورشیداند. این ارتباط در سایر آثار فلزی مملوکیان نیز قابل مشاهده است؛ بنابراین، براساس شواهد عینی مشخص می‌گردد که مرغابی‌ها و نیلوفرها- هر دو- نمادهای خورشیداند؛ اما درک فلسفه پشت این قضیه کار آسانی نیست» (همان: ۸۵).

در هر صورت و با پذیرش هر باوری در ارتباط با نقش مرغابی و نیلوفر در آثار فلزی، که مستقیماً از سنت‌های مصر باستان اقتباس شده یا این‌که خاستگاه هندی و بودایی داشته است، این نکته برجسته می‌نماید که به احتمال قوی، این دو مفهوم یعنی مرغابی و گل نیلوفر، در جایگاه و نماد خورشید بر آثار فلزی مملوکی ظاهر شده‌اند. آخرین بخش از عودسوز استوانه‌ای مملوکی، بخش زیر آن است (تصویر ۷)، که شامل یک نوار نسبتاً پهن و مزین به نقش و تزئین گل‌های ریز و پیچک‌های گیاهی درهم فرورفته و تنیده است و هم‌چنین فضای درونی که شامل فضاها و حفره‌های گودشده و فرو رفته‌ای است

کاسه (تصویر ۹)

از دیگر آثار فلزی مکتب قاهره، کاسه‌ای نقش‌پردازی‌شده است (تصویر ۹) که دارای بدنه‌ای گرد است و دیواره‌های آن به سمت داخل شیب‌دار است. همچنین لبه کاسه عمودی است. بدنه کاسه به خط نسخ مزین است. شش شمشه در فواصل مساوی این خوشنویسی را قطع کرده‌است. در هر شمشه، گل‌سرخ چرخان هست که در نواری از مرغابی یا اسلیمی احاطه شده است. در زیر این خوشنویسی، نواری از اسلیمی با برگ‌های کوتاه نوک‌خنجری نقش بسته است. در وسط کاسه نقش یک خورشید گرد است که شش ماهی در پیرامون آن در حال شنا کردن هستند. لبه‌های مزین کاسه دارای چهار مجرایند ریخته‌گری بدون تزئین است که قطر هر کدام ۴ میلی‌متر است.



تصویر ۹: کاسه از جنس برنج (آلن، ۱۹۸۲، ۹۹).

کتیبه افقی بالا

قدرت عالی امیر بزرگ و دانشمند جنگجو و مجاهد و پاسدارنده و نگاهبان مرزها، توفیق داده شده‌ی خدایی (سرباز الملک المظفر). عنوان «المظفر» در خوشنویسی روی کاسه نشان می‌دهد که این کاسه به امیری از امیران سلطان (مملوکی) الملک المظفر سیف‌الدین حاجی تعلق داشته‌است که تنها یک سال یعنی از ۷۴۷ تا ۷۴۸ حکم راند. کاسه دیگری که حامل نام مظفر است در موزه هنرهای اسلامی در قاهره نگهداری می‌شود. کاسه دیگری با تزئینات بسیار شبیه کاسه مورد بحث فعلی وجود دارد که نام «الملک‌الصالح» را بر خود دارد و در موزه اشمولی نگهداری می‌گردد. شکل کاسه مورد بحث در مصر و سوریه قرن هشتم رایج بوده و نمونه‌های بسیار زیاد از این سبک کاسه برجای‌مانده است. شاید مشهورترین این

ریخته‌گری ساخته شده‌اند. نکته جالب این است که از سبک و حالت این پایه‌ها در سفال‌های لعابی مصری تقلید شده‌است. کیفیت شیوه ساخت آثار فلزی مصری که با روش ریخته‌گری ساخته شده‌است، نشان می‌دهد که در مکتب فلزکاری مصر و به‌طور مشخص قاهره پایتخت مملوکیان در نیمه دوم قرن هفتم هجری (قرن سیزدهم میلادی)، آثار مطلوبی با کیفیت کاربردی و زیباشناختی بالا تولید می‌شده و نمود این کیفیت و شیوه ساخت در این پایه سینی، به‌خوبی نشان داده شده‌است. خوشنویسی‌های دایره‌ای شکل - از قبیل آن‌چه همین پایه سینی مورد بحث را مزین کرده‌است - برای نخستین بار در دوره سلطان الملک‌الناصر محمد بن قلاوون در اوایل قرن هشتم هجری استفاده گردید. در این جا شمشه‌های میانه حامل نام «الملک‌الصالح» است. این عنوان می‌تواند به سلطان اسماعیل (۶-۷۴۳ هجری)، سلطان صالح (۵-۷۵۲) یا سلطان حاجی دوم (۴-۷۸۳ هجری) بازگردد. این تغییرات حاکی از این است که بسیار بعید به نظر می‌رسد پایه سینی مورد بحث در دوره سلطان حاجی ساخته شده باشد. تا زمانی که آثار بیشتری از نیمه قرن هشتم هجری به دست نیامده باشد، نسبت دادن قطعی این پایه به دوره سلطان اسماعیل (به جای سلطان صالح) توجیهی ندارد. هر چند شباهت‌های سبکی بین این پایه و ظرفی از دوران محمد بن قلاوون و همچنین عنوان مختصر سرباز «الملک‌الناصر» (در نوشته افقی پایینی) می‌تواند اشاره به سلطان محمد بن قلاوون داشته باشد.



تصویر ۸: پایه سینی از جنس برنج (آلن، ۱۹۸۲، ۹۷).

تشت

آخرین اثری که در این پژوهش مورد تحلیل قرار می‌گیرد، تشت غسل تعمید منتسب به لوئیس مقدس است (تصویر ۱۱). «تشت حاضر در مصر ساخته شده است و از قرن هجدهم میلادی (دوازدهم هجری قمری)، به بعد از این طرف به‌عنوان تشت غسل تعمید لوئیس مقدس که لقب پادشاه لوئیس نهم (۱۲۷۰-۱۲۲۶ م) بود، نام برده می‌شود. هر چند ارتباط این تشت منقوش با لوئیس مقدس ثابت نشده است؛ ولی از دوره لوئیس سیزدهم (۱۶۴۳-۱۶۰۱ م) تمام افراد خاندان سلطنتی فرانسه در این ظرف غسل تعمید داده می‌شدند. این تشت در دوران حکومت مملوک‌ها در قاهره یا دمشق که مرکز مهم فلزکاری آن دوران بود، ساخته شده است؛ اما سفارش دهنده اثر مشخص نیست. از آنجایی که در تهیه این تشت، از فلزات گران‌بهایی استفاده شده، می‌توان حدس زد که به سفارش سلطان و یا حداقل افرادی از خانواده سلطنتی ساخته شده است» (هاگدورن و ولف، ۱۳۹۴: ۷۰). هنگامی که این ظرف را، با آثار ساخته شده به فرمان سلطان حسن بن محمد نصیرالدین مقایسه می‌کنیم، شباهت‌های فراوانی میان آن‌ها مشاهده می‌شود؛ بنابراین گمان می‌رود که این ظرف نیز در اواسط قرن چهاردهم میلادی (قرن هشتم هجری) ساخته شده باشد. پیکره‌های انسانی حک شده روی این ظرف، از تأثیرگذاری زیادی برخوردارند و شیوه طراحی آن‌ها با کتاب مقامات جریری شباهت‌های فراوانی دارد. در چهار طرف ظرف، چهار دایره شبیه مدال نقش بسته است که میان این دایره‌ها، مردان شکارچی به چشم می‌خورند. تمام اشخاص جامه‌های گران‌قیمتی بر تن کرده‌اند و به‌لحاظ پوشش سر، به دو گونه تقسیم می‌شوند: یا عمامه به سر دارند و یا مکتلاً هستند. افراد معمم، نشان دهنده مردان عرب‌تبار و آن‌ها که کلاه دارند، نشان‌دهنده امیران ترک مملوک هستند. در دست هریک از مردان شیئی به چشم می‌خورد. این اشیا نمایانگر موقعیت رسمی آنان در میان دربار است. یکی از مردان، سردسته گروه چوگان‌بازی است. دیگری جامه‌دار است و مردانی هم به چشم می‌خورند که سلاح‌های مختلفی را حمل می‌کنند. حتی ساقی دربار هم در این میان نشان داده شده است. شکارچیان بالاپوشی چسبان به تن دارند و شلوارهایشان تا ساق پا ادامه

سبک کاسه‌ها، کاسه‌ای است که به دست «ابن الزین» ساخته شده و اکنون در موزه لوور نگهداری می‌شود. این کاسه با نقش‌هایی از سلطان مملوکی و امیران دولتی تزئین شده است. گویا چنین نقش‌پردازی‌هایی در طی سلطنت الملک‌الناصر محمد قلاوون منسوخ شده و به جای آن خوشنویسی‌های نسخ رایج گشته که القاب و عناوین سلاطین یا امیران عنوان می‌شده و علی‌الظاهر بسیار موردپسند شخص الملک‌الناصر بوده است. در کاسه مورد بحث فعلی، عنوان‌های امیر در میان گل‌سرخ‌ها پراکنده شده که در میان آن‌ها آثار طلاکوبی هنوز برجای مانده است که باز می‌توان آن را تأکیدی بر نماد خورشید قلمداد کرد. ذکر القاب امیر هم تأکیدی بر تشخیص و شکوه سلطان حاکم است؛ هرچند که عمر او کوتاه بود و به حکمرانی طولانی مدت نرسید. ذکر گل‌سرخ چرخان و ماهی‌های چرخان (تصویر ۱۰) داخل کاسه نیز خالی از لطف نیست. این نقوش نیز، نمادهایی از تزئینات برکه ماهی در آثار فلزی ایرانی و مملوکیان است. که به رابطه بین دریا و ثروت در فرهنگ عامیانه قرون وسطی اشاره دارد؛ اما در عین حال خاطرنشان می‌کند نمادهای خورشید صلیب شکسته که با ماهی احاطه شده، در سفال‌های پیش از تاریخ سمرقند نیز وجود داشته است. خانم «بائر» متنی را در اسکندرنامه یادآور می‌شود که در آن نظامی رسیدن اسکندر به سرچشمه حیات را توصیف می‌کند: در این متن، نظامی سرچشمه حیات را - که در سرزمین تاریکی است و در سایه خود پنهان شد- با چشمه خورشید مقایسه می‌کند. نظامی داد سخن می‌دهد که اگر به خاطر پرتوهای روشنی‌بخش خورشید نبود، چطور نوشیدن آب از چشمه‌های خود ممکن می‌بود؟ بنابراین در این جانیز ماهی‌ها القاگر مفهوم خورشید و روشنایی و منبع حیات هستند (آلن، ۱۹۸۲).



تصویر ۱۰: ماهی‌های چرخان حول خورشید (آلن، ۱۹۸۲، ۹۸).

نتیجه‌گیری

مکتب فلزکاری مصر، یکی از مکاتب مهم فلزکاری اسلامی است که می‌توان گفت به سبب برخورداری از عقبه فرهنگی، هنری و تمدنی مصر باستان، حیاتی فراتر از مکتب فلزکاری موصل و شام داشته‌است. اگرچه آثار و تولیداتی از دوران باستان باقی نمانده است، اما به صورت منطقی و با عنایت به هنر و آثار هنری و پیشینه سرزمینی می‌توان خاستگاه دیرینه‌ای برای تولید آثار فلزی مصری قائل بود. در دوران اسلامی با روی کار آمدن دولت‌های مختلف و با توجه به نوع نگاه و حمایت حاکمان وقت، هنر فلزکاری مصر و به طور مشخص مکتب قاهره، با افت‌وخیزهایی همراه بوده‌است. تا این‌که با روی کار آمدن سلسله مملوکی، بسط و توسعه آرامش و امنیت در جامعه و حمایت همه‌جانبه حاکمان آن از هنر، فلزکاری مصر و تولید آثار این مکتب در قاهره به اوج درخشش خود رسید. در واقع پیشرفته‌ترین دوره در ساخت‌وساز آثار فلزی، دوران مملوکی است. در کنار این حمایت می‌بایست از تأثیرگذاری هنر فلزکاری موصل بر مکتب فلزکاری مصر و قاهره به عنوان یک رویداد و رخداد قابل توجه، نیز یاد کرد. هنر فلزکاری موصل در همه ابعاد خود، از طریق مراودات تجاری و مهم‌تر از آن، مهاجرت هنرمندان فلزکار موصلی و خراسانی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (از طریق موصل) در اثر حمله مغولان به شام، مصر و قاهره مهاجرت کرده بودند، بر روند تولیدات فلزی مصری و مکتب فلزکاری قاهره تأثیرات، قابل توجهی داشته است. این تأثیرات هم در شیوه ساخت و هم در شیوه تزئین و مضامین تزئین خود را نشان داده‌است. در این مقاله هشت اثر فلزی برجسته و نخبه مصری از مکتب فلزکاری قاهره دوران مملوکی انتخاب، مطالعه، بررسی، تحلیل و معرفی شدند. همگی آثار یادشده در روند ساخت، به شیوه قالب‌گیری و ریخته‌گری به عنوان یکی از عمده‌ترین و مهم‌ترین روش‌های ساخت آثار فلزی، تولید شده‌اند. این آثار با استفاده از شیوه ترصیع‌کاری یا خاتم‌کاری و یا فلزکوبی (قراردادن فلز نقره و طلا در زمینه مس یا مفرغ)، تزئین و آراسته شده‌اند. شیوه تولید (بُعد فن‌شناختی) و تزئین (بُعد زیباشناختی) در مکتب فلزکاری مصر برگرفته از مکتب فلزکاری موصل است. انواع تزئینات انسانی (اسب‌سواران و

یافته و از آن‌جا کفش‌های سوارکاری، بقیه پایین تنه‌شان را پوشانده است. حیواناتی از قبیل پلنگ، شاهین و سگ در این بزم شکار، به نقش درآمده‌اند.

بر روی بدنه، دو نوار با ردیفی از حیواناتی هم‌چون گوزن، بز کوهی و غزال، فیل و حیواناتی افسانه‌ای هم‌چون شیر-انسان‌ها و عقاب-شیر (گرفین‌های) بالدار، اسب شاخ‌دار مشاهده می‌شوند که برای رهایی از چنگال درندگانی چون شیر و پلنگ (یوزپلنگ) در حال فرار هستند. در بین این دو نوار نیز صحنه‌ها و روایاتی از شکار و نبرد افرادی سواره‌نظام، نقش‌پردازی و ترصیع‌کاری شده است. هم‌چنین شکارچیانی همراه با قوش (باز-شاهین) شکاری و یوزبانانی که در دستان خویش یوزهایی غلاده به گردن دارند، نقش‌پردازی شده است (بخشی از تصویر ۱۱). در دیواره داخلی این تشت منقوش، دو دایره مدال‌مانند حکاکی شده و در میان دایره، پادشاه جامی به دست گرفته و روی تخت شاهی جلوس کرده‌است. به نظر می‌رسد در طراحی این نقوش، هنرمندان از سنت طراحی ساسانی الهام گرفته‌اند. یکی از طرح‌های مشهور دوره ساسانی، خسرو پرویز را نشان می‌دهد که روی تخت شاهی نشسته و جامی به دست دارد. طرح‌های خسرو پرویزی، شباهت فراوانی به نقوش به کار رفته در دیواره داخلی این ظرف دارند. در فاصله میان مدال‌های دیوار داخلی ظرف، نقوشی از مردان شکارچی حکاکی شده است که دقیقاً مانند طراحی‌های روی ظرف است. در پایان، روی کف صاف این تشت منقوش را با ماهیان و موجودات دیگر دریایی تزئین کرده‌اند.



تصویر ۱۱: تشت لوئیس مقدس به همراه بخشی از جزئیات آن (Paris)

(Louvre Museum).

بود. او برای این شمعدان‌ها زحمت فراوان کشیده بود و الحق شمعدان‌هایی سخت نیکو بودند. از این نوشته برمی‌آید که سلاطین مملوکی اهمیت زیادی برای مراسمی که در آن شمع روشن می‌شد، قائل بودند. از بسیاری از شمعدان‌های نفیسی که برجای مانده - چنین که پیداست - جزیی لاینفک از مراسم پرشکوه شبانه بوده است» (Allan, 1982:83).

3. James W. Allan

۴. سایر روش‌های تزئین عبارت است از: مشبک‌کاری، قلم‌زنی، حکاکی، آسپاه‌قلم - نوعی حکاکی [و برجسته‌کاری (جُنده‌کاری) آثار فلزی در موصل، ترصیع‌کاری (خاتم‌کاری فلز، فلزکوبی، کوفته‌گری).

۵. دو ماده‌ای که در زمان مملوکیان بسیار با ارزش بوده (و لابد فقط چنین ظرف ارزشمندی سزاوار آن بوده)، عود و ادویه‌جات بوده‌است. در مورد ادویه‌جات، [باید گفت که] به‌نظر نمی‌رسد که چندان مفهوم مذهبی داشته است؛ اما در مورد عود، قضیه کاملاً برعکس است. در مسجد مدینه رسم بوده‌است که در نماز جمعه هنگامی که امام در حال خواندن خطبه بوده، در کنار منبر و پشت آن عود بسوزانند. هم‌چنین، ابن جویر شرح می‌دهد که در ماه رمضان، مسجدی در مکه آکنده از بوی خوش عود بوده‌است. بر این اساس، جعبه مذکور، برای نگهداری عود استفاده می‌شده و چه بسا در دربار سلطان الملک‌الناصر محمد بن قلاوون، عودسوز سلطانی در آرگ بزرگ قاهره بوده‌باشد.

۶. قبه‌الصخره، یکی از مهم‌ترین آثار معماری اسلامی بعد از مسجدالاقصی در بیت‌المقدس است. این مسجد تقدس خاصی نزد مسلمانان دارد. هم‌چنین یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های هنر معماری ارزشمند تمدن اسلامی است. عامه گمان می‌کنند که مسجدالاقصی همان قبه‌الصخره است.

7. R.Pinder -Wilson

8. Surya

9. Sob

10. Osiris

11. Horus

شکارچیان)، جانوری (حیوانات و پرندگان)، گیاهی (انواع گل و بوته‌های انتزاعی)، هندسی (انواع شکل‌ها) و خط‌نگاره‌ها (انواع کتیبه‌های نوشتاری) بر بدنه آثار قاهره به‌کار رفته است؛ ضمن این‌که بیش‌ترین تزئینات شامل خط‌نگاره‌ها و عناصر نوشتاری است. هم‌چنین در بُعد موضوعات تزئین، شکار و رقص از مهم‌ترین و برجسته‌ترین موضوعات و مضامین به‌کار رفته در آثار فلزی قاهره و به‌طور ویژه نمونه‌های انتخابی در این مقاله است. در بسیاری از آثار این مکتب، نقش‌ها و نمادها، صحنه‌ها و مضامین هنری ایران باستان از مکتب فلزکاری موصل و خراسان در دوران سلجوقی الگوبرداری شده‌است. حیوانات ترکیبی نظیر شیر - دال (گریفین)، شیر - انسان بالدار، اسب شاخ‌دار، قوچ، گوزن شاخ‌دار و بزکوهی نمونه‌ای از این نوع حیوانات هستند.

پی‌نوشت‌ها

۱. صنعت‌گران اروپایی اقدام به تقلید از شکل‌ها و طرح‌های آثار فلزی شرقی کردند. شهر ونیز که نقش مهمی در تولید آثار فلزی به سبک اسلامی داشت، از قرن سیزدهم به بعد نیز شروع به رقابت با مصر و سوریه در تولید شیشه لعابی کرد (ایروین، ۱۳۸۹: ۳۱۹).

۲. شمعدان‌های برجای‌مانده از دوران مملوکیان حاکی از این است که این شمعدان‌ها برای مراسم و مناسبت‌های متعددی استفاده می‌شده‌اند. در این‌جا خواندن بخشی از نوشته [نتقی الدین] المقریزی [مورخ مصری] مطلب را روشن‌تر می‌کند: «در شامگاه هفتم جمادی الاول (سال ۳۳۷ هجری) سلطان در کنار درگاه قصر نشست و امیران، هرکدام به فراخور مرتبه خود، یک‌به‌یک بار می‌یافتند با شمعدان‌هایی در دست. هر کدام، شمعدان‌هایی را پیش‌کش می‌کرد، زمین را بوسه می‌داد و از قفا بر می‌گشت. سلطان هم‌چنان به جایگاه خود باقی ماند تا همه امیران هدایای خود را پیشکش کردند. شمار شمعدان‌ها ۳۰۳۰ و وزن آن ۳۰۶۰ قنطار (واحد وزن، معادل حدوداً صد رطل) بود. از میان این شمعدان‌ها، برخی زحمت فراوان برده بود و به نیکویی تمام آراسته شده بود و اقسام تزئین‌ها در آن‌ها صرف‌گرددیده بود. نیکوترین و مقبول‌ترین این شمعدان‌ها از آن امیر علم‌الدین سنجر الجولی

فهرست منابع

- محمدحسن، زکی. (۱۹۳۷). *الزخارف الكتابية في الفن الاسلامي، الآثار العربية*. مصر: النشر خالد کتاب.
- وارد، ریچل. (۱۳۸۴). *فلزکاری اسلامی*. مترجم: مهناز شایسته‌فر. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- هاگدورن، آنت؛ ولف، نوربرت. (۱۳۹۴). *هنر اسلامی*. مترجم: صادق رشیدی و فاطمه رضانی. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر.
- هاگدورن، آنته. (۱۳۹۴). *هنر اسلامی*. مترجم: عطیه عصارپور و مسیح آذرخشی. تهران: انتشارات یساوولی.
- www.Paris Louvre Museum
- www.Cairo Islamic Museum of Arts
- Islamic metalwork (The NUHAD ES-SAID COLLECTION)
- www.The Victoria and Albert Museum
- آلن، جیمز دبلیو. (۱۹۸۲). *آثار فلزی اسلامی مجموعه نوحد السعید*. مترجم: محمد افروغ. در دست چاپ.
- آیت‌اللهی، حبیب‌الله؛ پاکیاری، سارا. (۱۳۸۲). «فلزکاری از مکتب خراسان تا عصر مغول»، *فصلنامه هنرهای تجسمی*، ش ۲۰، صص: ۱۴۸-۱۳۸.
- اتینگه‌اوزن، ریچارد. (۱۳۷۶). «هنر ایران در دوره سلجوقی»، مترجم: یعقوب آژند. کیهان فرهنگی، ش ۱۳۹، ۵۶-۵۰.
- ایروین، روبرت. (۱۳۸۹). *هنر اسلامی*. مترجم: رؤیا آزادفر. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- بوسورث، کلیفورد ادموند. (۱۳۷۱). *سلسله‌های اسلامی*. مترجم: فریدون بدره‌ای. تهران: پژوهشگاه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- پوپ، آرتور اپهام. (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز*. ج ۶ و ۲۱. سیروس پرهام. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دیمانند، موریس. (۱۳۸۳). *راهنمای صنایع اسلامی*. مترجم: عبدالله فریار. تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- العبدی، صلاح حسین. (۱۳۹۰). *آثار فلزی مکتب موصل در عصر عباسی*. مترجم: محمد افروغ. مسعود احمدی. تهران: انتشارات جمال هنر.
- غلام، نعمت‌اسماعیل. (۱۳۸۶). *هنرهای خاورمیانه در دوران اسلامی*. مترجم: عباسعلی تفضلی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- عنایت، توفیق. (۱۳۸۷). «عناصر هویت و فرهنگ ایرانی در هنر اسلامی»، *کتاب ماه هنر*، ش ۱۲۰، صص: ۲۸-۳۸.
- فدایی، مریم. (۱۳۸۷). «مقایسه شکل و محتوای ظروف فلزی شیراز در دوره ایلخانیان با ظروف فلزی مملوک‌ها در سده هشتم هجری»، *کتاب ماه هنر*، ش ۱۱۷، صص: ۲۶-۳۵.
- قربانی رضوان، مریم. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر فلزکاری مکتب خراسان بر فلزکاری ممالیک مصر»، *فصلنامه پژوهش هنر*، ش ۱۰، صص: ۴۱-۵۴.
- کنبی، شیلار. (۱۳۹۳). *جزئیاتی از هنر اسلامی*. مترجم: افسونگر فراست. تهران: انتشارات فرهنگ‌سرای میردشتی.
- لین‌پول، استانلی. (۱۳۸۹). *طبقات سلاطین اسلام*. مترجم: عباس اقبال. تهران: انتشارات دنیای کتاب.

Egyptian metalwork school (Cairo) during the Mamluk period*

Mohammad Afrough

Assistant Professor of Arak University, Faculty of Art, Carpet Department

Abstract

The Egyptian Metalwork School, and specifically Cairo, is one of the centers for producing metal work in the Muslim world, especially during the Mamluk era. This school was able to produce and present significant qualitative and important qualitative and aesthetic work in the calm atmosphere of the society of those days. The similarities of Egyptian metal works with works produced at the Mosul Metalwork school, show the close relationship between the two schools, and in particular the impact and modelling of Egyptian artists in the construction process, the shaping, decoration and decoration themes are of great significance. Egyptian metal works, while preserving their own identity, are influenced by the Mosul metalwork school in the ways they are constructed and decorated. In this article, eight studies of the Egyptian metalwork school are studied, analyzed, and introduced from a cognitive and aesthetic point of view. These works are kept at the Victoria and Albert Museums, the Naha al-Saeed collection and the Cairo Islamic art museum.

Key words: Egypt, Mamluk, Metalworking, Engineering, Decoration.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی